

# دکتر رابرت ای. پترسون، کار نجات بخش مسیح، جلسه ۲، مقدمه، بخش ۲، روش الهیاتی، کتاب‌های کلیدی نکات کتاب مقدس اشعیا ۵۳

رابرت پترسون و تد هیلدبرانت © ۲۰۲۴

من دکتر رابرت پترسون هستم در حال تدریس در مورد کار نجات بخش مسیح. این جلسه شماره دو، مقدمه بخش دوم، روش الهیاتی، کتاب‌های کلیدی، نکات کتاب مقدس، اشعیا ۵۳ است.

ما سخنرانی‌های خود در مورد کار نجات بخش مسیح را با توجه به روش الهیاتی ادامه می‌دهیم.

ما در مورد داستان کتاب مقدس و نجات برنامه‌ریزی شده، انجام شده، اعمال شده و به کمال رسیده فکر کرده‌ایم. روش الهیاتی، خوب است که در مورد نحوه مطالعه کتاب مقدس برای درک آموزه‌های آنها فکر کنیم. عبارت الهام بخش معروف در دوم تیموتائوس ۳ می‌گوید که تمام کتاب مقدس از الهام خداست و برای تعلیم، سرزنش، اصلاح و تربیت در عدالت مفید است.

من این را به عنوان یک حکم کتاب مقدسی برای مطالعه کتاب مقدس جهت درک آموزه‌ها یا دکترین آن می‌دانم، و خوب است که در مورد چرایی انجام کاری که انجام می‌دهیم فکر کنیم. به نظر من، روش الهیاتی شامل تفسیر، الهیات کتاب مقدس و الهیات تاریخی است که همگی به هدف الهیات سیستماتیک و حتی ثمرات آن در رشته‌های مختلف الهیات عملی منتهی می‌شوند. روش الهیاتی با تفسیر آغاز می‌شود.

پایه و اساس هر الهیات خوب، درک معنای متون کتاب مقدس است که با نیت نویسنده کتاب مقدس از طریق متن آغاز می‌شود. هنگام مطالعه یک متن، باید به ژانر ادبی خاص، روایت، ضرب‌المثل، تمثیل، انجیل، نامه و غیره توجه کنیم و استراتژی‌های ادبی مناسب با ژانر را در نظر بگیریم. یافتن ادبی نیز بسیار مهم است زیرا جایگاه هر متن به ما در تفسیر منظور نویسنده کتاب مقدس کمک می‌کند.

معنای یک کلمه اغلب از طریق مطالعه آن در عبارات، بندها و جملات اطرافش آشکار می‌شود. معنای یک جمله در پاراگراف‌ها یا صحنه‌های آن ظاهر می‌شود و معنای یک صحنه در قسمت‌ها، بخش‌ها یا کل کتاب اطراف آن آشکار می‌شود. زمینه تاریخی نیز شکل‌دهنده است زیرا دانستن موقعیت متن، گیرندگان، نویسنده و زمینه کلیسا، تفسیر خوبی را ایجاد می‌کند.

پایه و اساس روش الهیاتی تفسیر است. من از کاهش تدریس زبان‌های کتاب مقدس نه تنها در مدارس لیبرال بلکه در میان کسانی که می‌گویند به الهام شفاهی کتاب مقدس اعتقاد دارند نیز متأسف هستم. می‌ترسم که لوتر درست می‌گفت.

اگر به زبان‌های کتاب مقدس پایبند نباشیم، در نهایت انجیل را از دست خواهیم داد. الهیات کتاب مقدس در نهایت، زمینه هر متن کتاب مقدس نه تنها کتاب خاص آن، بلکه کل مجموعه کتب مقدس است که متون کتاب مقدس را در طرح آشکار خدا قرار می‌دهد که همانطور که قبلاً گفتیم، از خلقت و سقوط تا رستگاری و خلقت جدید حرکت می‌کند. این خط داستانی کتاب مقدس، آموزه‌ها را قاب‌بندی، نظم و پیوند می‌دهد.

علاوه بر این، این [مطالعه] در شخص و عمل مسیح به اوج خود می‌رسد، که آنچه را که قبل و بعد از انجیل‌ها می‌آید، متمایز می‌کند. بنابراین، عاقلانه است که ما عباراتی را در داستان کتاب مقدس پیدا کنیم و همچنین آنها را به سایر عبارات مربوط به موضوع مرتبط سازیم. ما به دنبال چگونگی تکامل داستان کتاب مقدس از طریق عهدهای کتاب مقدس در عهد عتیق، در شریعت، انبیا و نوشته‌ها، و همچنین در عهد جدید، در طلوع عهد جدید در انجیل‌ها، اعمال رسولان، رساله‌ها و مکاشفه هستیم.

توجه ما نه تنها باید به آموزه‌های خاصی که مطالعه می‌کنیم، بلکه باید به مضامین اصلی هر کتاب از کتاب مقدس و مضامین اصلی در سراسر کتاب مقدس - عهد، پادشاهی، کفاره، جلال، عشق، تقدس و غیره - نیز معطوف شود. این امر ما را قادر می‌سازد تا ارتباطات آموزه مورد مطالعه را با این مضامین اصلی دیگر ببینیم، که به ما امکان می‌دهد آموزه‌ها را در روابطشان، متناسب با یکدیگر و در پرتو مسیح درک و ترکیب کنیم. بنابراین، الهیات خوب مبتنی بر تفسیر کتاب مقدس است و ریشه در الهیات کتاب مقدس دارد.

این همچنین شامل الهیات تاریخی می‌شود، اگرچه اکنون ما دیگر در یک خط مستقیم نیستیم. الهیات کتاب مقدس بر تفسیر بنا شده است، و اگر ما این را نمودار می‌کردیم، الهیات تاریخی را از شمال می‌آوردیم زیرا از الهیات کتاب مقدس آنطور که الهیات کتاب مقدس از تفسیر سرچشمه می‌گیرد، سرچشمه نمی‌گیرد. با این وجود، تمایل ما ممکن است این باشد که کتاب مقدس را به صورت فردی بخوانیم، آن را به صورت خصوصی بخوانیم تا درباره خدا و نحوه پیروی شخصی بهتر از او بیاموزیم.

اگرچه این مفید است، اما باید محوریت کلیسا را در فرآیند تفسیر نیز در نظر بگیریم. کلیسا مفسر تاریخی کتاب مقدس بوده است. اگرچه آموزه‌ها و عقاید تاریخی کلیسا به اندازه کتاب مقدس بر مؤمنان معتبر نیستند، اما کتاب مقدس «یکی از شعارهای اصلی اصلاحات، به نظر من به عنوان یک متکلم، به این معنی است که ما» عمداً و پیوسته همه چیز را تابع کتاب مقدس قرار دهیم.

اگر کمی در مورد آن فکر کنیم، همه ما از تجربه خود، مطمئناً عقل خود، و امیدوارم از سنت خود در تفسیر کتاب مقدس استفاده کنیم، اما تنها کتاب مقدس را به عنوان مرجع نهایی به کار می‌گیریم، تنها کتاب مقدس به معنای تابع کردن آگاهانه و مداوم تجربه، عقل و سنت خود از کتاب مقدس است. تنها کتاب مقدس بر رویکردهای مدرن و پسامدرن به تفسیرها، که گاهی اوقات مفسر فردی، جوامع مدرن یا معاصر خوانندگان پسامدرن را به قیمت آموزه‌های تاریخی کلیسا برجسته کرده‌اند، مرجعیت دارد. ما اولین کسانی نیستیم که کتاب مقدس را می‌خوانیم، اما در جریان قوم خدا در طول قرن‌ها ایستاده‌ایم و می‌توانیم از متفکران برجسته تاریخ کلیسا چیزهای زیادی بیاموزیم.

برای مثال، آتاناسیوس، آگوستین، توماس آکویناس، لوتر، کالوین، جان اوون، جانانان ادواردز، جان ولسلی و غیره. ما باید با تردید فراوان و تنها زمانی که کاملاً توسط کتاب مقدس یا دلیل آشکار متقاعد شده باشیم، از جریان فکری تاریخی کلیسا فاصله بگیریم. ما همچنین باید کتاب مقدس را در چارچوب جامعه کلیسای فعلی خود بخوانیم و درک کنیم که کتاب مقدس زندگی ما را در کنار سایر مؤمنان هدایت می‌کند.

بنابراین، الهیات خوب توسط، با، و برای کلیسا، با احترام به آموزه‌های تاریخی کلیسا و در زندگی مشترک انجام می‌شود. الهیات سیستماتیک، آنطور که تفسیر حاصل می‌کند، به ما در درک الهیات کتاب مقدس، تاریخ وحی خاص همانطور که گرهاردوس ووس آن را تعریف کرد، کمک می‌کند. و الهیات تاریخی از الهیات کتاب مقدس سرچشمه نمی‌گیرد، همانطور که الهیات کتاب مقدس از تفسیر سرچشمه می‌گیرد.

با این وجود، این موضوع به طور غیرمستقیم مطرح می‌شود زیرا ما مطمئناً می‌خواهیم از مزایا و معایب کسانی که پیش از ما بوده‌اند، درس بگیریم. بر اساس کار ما در تفسیر، الهیات کتاب مقدس و الهیات تاریخی، ما به

سمت یک ترکیب الهیاتی حرکت می‌کنیم. ما در پی آن هستیم که مضامین اصلی کتاب مقدس را در بر بگیریم، به مباحث اصلی الهیاتی بپردازیم و اولویت‌ها و روابط متقابل بین آموزه‌ها را نشان دهیم.

چنین الهیاتی به بهترین شکل در پرتو داستان کتاب مقدس سازماندهی و منتقل می‌شود. ما همچنین می‌خواهیم الهیات خود را به شیوه‌ای بیان کنیم که متناسب با متن، واضح و برای دیگران مفید باشد. می‌توانم الهیات عملی، تفسیر، الهیات کتاب مقدس، الهیات تاریخی و الهیات سیستماتیک را در اینجا اضافه کنم که در نهایت همان چیزی است که در این مجموعه سخنرانی‌ها به دنبال آن هستیم.

در نهایت، ما یک الهیات سیستماتیک از کار نجات‌بخش مسیح خواهیم داشت. اما رسیدن به آنجا به زمان و تلاش نیاز دارد، و ارزش هر دوی این موارد را دارد تا آموزه‌های کتاب مقدس و، در سخنرانی‌ای که به زودی ارائه خواهد شد، روشی که کلیسا سعی کرده است کار نجات‌بخش مسیح را در طول قرن‌ها درک کند، درک کنیم. در واقع، جدول کوچک من خیلی ساده است زیرا هیچ یک از این کارها به صورت جداگانه انجام نمی‌شوند.

یعنی تفسیر ما تحت تأثیر الهیات سیستماتیک ما قرار دارد و برای من جای تعجب نیست که حوزه‌های علمیه اصلاح‌شده و انجیلی که من در مورد الهیات تاریخی صحبت می‌کنم، اکنون دوره‌هایی در مورد چهره‌هایی مانند کالوین، جانانان ادواردز، شاید جان اوون دارند و حوزه‌های علمیه آرمینیان و انجیلی دوره‌های زیادی در مورد وسلی و غیره دارند. این جای تعجب نیست. سی. اس. لوئیس، اگرچه می‌توانست در هر حوزه علمیه‌ای باشد زیرا او مدافع بزرگی بود، اما به دلیل گرایش‌های الهیاتی‌اش که قطعاً آرمینیان بود، من او را در برنامه درسی حوزه‌های علمیه آرمینیان بیشتر از حوزه‌های علمیه اصلاح‌شده دیده‌ام.

بعد از کمی تفکر در مورد داستان کتاب مقدس و رستگاری در یک چشم‌انداز و سپس حداقل به صورت گذرا به روش الهیاتی نگاه کردن، می‌خواهم به طور خلاصه برخی از کتاب‌های کلیدی را که در طول بیش از ۴۰ سال، مطالعه‌ی دکترین کفاره، مفیدترین آنها را یافته‌ام، با شما به اشتراک بگذارم. پایان‌نامه‌ام، خب، اول از همه امتحاناتم، و انتقال از حوزه علمیه به تحصیلات دکترا، به این ترتیب مایه‌ی آسودگی خاطر بود. به جای آزمون‌های مکرر زبان و از این قبیل، بدون آزمون به مدت دو سال کامل که در آن امتحانات زبان را انجام می‌دادید، یادگیری، اثبات، خواندن دانش زبان فرانسه و آلمانی مدرن را از مدرک الهیات تاریخی خودم، به علاوه دوره‌هایی که در آنها مقاله می‌نوشتید و در کلاس شرکت می‌کردید، اما بدون آزمون، در پایان آن آزمون‌هایی داشتید که قبلاً هرگز در زندگی‌تان نداشته‌اید.

به آنها امتحانات جامع می‌گویند. در برنامه‌ی مدرک دکترا من در دانشکده‌ی تحصیلات تکمیلی دانشگاه درو در مدیسون، نیوجرسی، چهار امتحان وجود داشت که در طول دو هفته برگزار می‌شدند، بنابراین یکی را روز اول، یکی را روز آخر، یکی را اینجا، یکی را اینجا می‌گذارید، و سعی می‌کنید بین آنها بخوابید و غذا بخورید و با دوستانتان خیلی بدخلق نباشید. دوره‌ی من دوره‌ی پدران کلیسا، قبل از قرون وسطی بود.

ما مجبور بودیم دو شخصیت خارج از دوره خودمان را انتخاب کنیم. من امیل برونر، یک متکلم نئوآرتدکس را «انتخاب کردم که کتابش در واقع در فهرست من در اینجا قرار دارد. من در مورد کتاب معروف او، «میانجی صحبت خواهیم کرد».

کالوین شخصیت دیگر من بود، و سپس باید یک مسئله یا آموزه را انتخاب می‌کردیم. من آموزه کفاره را برگزیدم و این مرا در حرفه تدریس الهیات سیستماتیک، با استفاده از آن الهیات تاریخی به عنوان پیش‌زمینه قرار داد. مدرک حوزوی من در تفسیر کتاب مقدس واقعاً قوی بود، که من بیش از هر چیز برای آن ارزش قائلم، اما من از آن به همراه پیشینه الهیات تاریخی در تدریس سیستماتیک به مدت ۳۵ سال در دو مدرسه انجیلی، مدارس تحصیلات تکمیلی و حوزه‌های علمیه به خوبی استفاده کردم.

. پایان‌نامه من در آن زمان در مورد درک کالوین از کار مسیح بود. کتاب‌های کلیدی، *واسطه اثر امیل برونر* برونر، همراه با بارت، شاید مشهورترین متکلمان نئوآرتدوکس بودند.

بارت، خیلی مشهورتر از برونر بود، و البته، آنها دعوی معروفشان را داشتند که در آن بارت به برونر حمله کرد، و در واقع مسئله بی‌احتیاطی او در صحبت کردن بود، و برونر توسط کسی که او را با لحنی زننده، نقل قول، دیکتاتور مذهبی آلمان می‌نامید، زخمی و شاید تا آخر عمر آسیب دید. این اشاره به هیتلر دارد و یک دیکتاتور وحشتناک است، اما من می‌فهمم. هر دوی آنها با استعداد بودند.

آیا آنها نئوآرتدوکس بودند؟ بله، به یک معنا آنها بسیاری از کاستی‌های لیبرالیسم قدیمی را اصلاح کردند. آیا دیدگاهی نسبت به کتاب مقدس وجود داشت که مختص مسیحیان انجیلی باشد؟ خیر، اگرچه استفاده بارت از کتاب مقدس خوب بود، اما هیچ‌کدام از آنها چیزی شبیه به یک خطا را اعتراف نمی‌کردند و متأسفانه برونر اجازه داد که انتقاد لیبرال مخرب از کتاب مقدس، بیشتر از کالوین، از کتاب مقدس برداشت کند. سپس بارت این کار را کرد، اگرچه هر دو سقوط تاریخی را انکار کردند.

شما می‌گویید، آیا آنها مردم، از جمله خودشان را گناهکار می‌دانستند؟ بله. با خواندن آثار امیل برونر، وقتی می‌گویم او به عیسی به عنوان پروردگار و ناجی خود اعتقاد داشت، بله. آیا این باعث می‌شود معرفت‌شناسی او درست باشد؟ نه، و من دارم از این بحث دور می‌شوم.

کتاب «میانجی» اثر امیل برونر واقعاً کتاب خوبی است. او در کار نجات‌بخش خود، مسیح را عمدتاً به عنوان یک جایگزین کیفی معرفی می‌کند، که در زمانی که واقعاً لازم بود این موضوع توسط یک متکلم معتبر جهانی، امیل برونر، به نام «میانجی»، مطرح شود، اثری واقعاً خوب و محکم است. گوستاو آلن، محقق سوئدی کتاب معروف «کریستوس ویکتور» را نوشت و در بررسی ما از دیدگاه‌های تاریخی در مورد کار مسیح، به آن اشاره می‌شود.

اما همین الان فقط می‌گویم که این کتاب فوق‌العاده‌ای است. من کتاب‌های زیادی را نمی‌شناسم که عنوانشان به عنوان یک اصطلاح برای الهیات تبدیل شده باشد، اما ما در مورد دیدگاه کریستوس ویکتور در مورد کفاره صحبت می‌کنیم. او سعی کرد بین نظریه نفوذ اخلاقی لیبرال، که می‌گوید عیسی در درجه اول برای کفاره دادن نمرد، بلکه برای تغییر قلب‌های ما مرد، و نظریه محافظه‌کار جایگزینی مجازات، که می‌گوید عیسی برای پرداخت جریمه گناهان ما مرد، یک مسیر میانه را طی کند.

او بر مسیح به عنوان پیروز بزرگی که بر دشمنان ما، به ویژه قدرت‌های شیطانی، غلبه کرد و قوم خود را نجات داد، تأکید کرد. من ارزیابی مفصلی ارائه خواهم داد و از بسیاری جهات آن را ستایش می‌کنم و از برخی جهات دیگر که نیاز به نقد دارد، آن را نقد می‌کنم، اما کتاب «مسیح ویکتور» اثر گوستاو آلن، اثری بسیار بسیار بزرگ بود. در آمادگی برای امتحان دکترایم در مورد تاریخ آموزه کفاره، مسئولیت داشتم که هر شخصیت و دوره تاریخی مهم را بشناسم.

در آن زمان هنوز اجازه داشتیم؛ حتی زمانی که فارغ‌التحصیل شدم، این کار غیرقانونی شد، اما به ما اجازه داده شد که برای ایده گرفتن، به امتحانات قبلی نگاه کنیم. هر امتحان دکترایم در مورد کار مسیح، یک سوال از یک کتاب داشت و آن کتاب «کریستوس ویکتور» اثر گوستاو آلن بود. به همین دلیل بود که من آن کتاب را خیلی خوب یاد گرفتم.

در نهایت، او محافظه‌کار نیست و تمایلات لوتری‌اش باعث شده عهد عتیق را کم‌اهمیت جلوه دهد، اما مضمون خوبی را می‌بیند: مسیح پیروز، قهرمان. این مضمون کتاب مقدس است. هم لیبرال‌ها و هم

، محافظه کاران از آن غفلت کرده بودند، اما او پا را فراتر می‌گذارد و آن را به پدران کلیسا، جایی که در آن است و به لوتر، جایی که در آن است، تفسیر می‌کند، اما اندیشه لوتر به طور مساوی بین مسیح پیروز و جایگزینی . کیفی تقسیم شده است، و آلن فقط اولی را می‌بیند .

، و علاوه بر این، او همین کار را با کتاب مقدس انجام می‌دهد . بله، عبرانیان ۲:۱۵ مسیح را قهرمان ما می‌آموزد ، اما نه، این موضوع اصلی کار نجات بخش مسیح در عبرانیان نیست . غم و اندوه خوب مطمئناً مضمون فداکاری است که عبرانیان به حق بیشترین شهرت را به آن دارند .

لئون موریس، محقق استرالیایی عهد جدید، مردی فوق العاده و خداترس است . حکایت کوچکی که یک بار شنیدم این بود که او در حالی که همسرش رانندگی می‌کرد، زبان یونانی عهد جدید را به خودش آموخت . نمی‌دانم آنها در استرالیا به کجا می‌رفتند، اما استرالیا کشور بزرگی است .

او همزمان با رانندگی همسرش، زبان یونانی را به صورت خودآموز آموخت . به هر حال، او با تفسیر کتاب های متعدد کتاب مقدس و تفسیرهای بسیار مفیدش، مثلاً تفسیر یوحنا، سهم عمده ای در مطالعات کتاب مقدس داشت . او کارهای بسیار بیشتری انجام داد، اما در مورد آموزه کفار نیز کارهای زیادی انجام داد .

کتاب او، *موعظه رسولی صلیب* ، به حق به خاطر نحوه برخوردش با کلمات کتاب مقدس در مورد رستگاری مشهور است . می‌دانید، بارها پیش آمده که مطالعات مبتنی بر کلمات تحریف شده اند، اما در مورد او اینطور نبوده است . او چیزهایی مانند بره خدا، رستگاری، آشتی و دو فصل در مورد دلجویی را مطالعه کرد، زیرا مورد حمله قرار گرفته بود، که شاید در سخنرانی بعدی در مورد آن صحبت کنیم .

نه، فکر می‌کنم بعداً در این کتاب، وقتی در مورد برداشت از کتاب مقدس صحبت می‌کنیم، چون این موضوع به شدت بر رومیان ۳:۲۵ و ۲۶ تأثیر می‌گذارد . به هر حال، موریس از دیدگاه سنتی، دیدگاه اصلاحات، در مورد فرونشاندن خشم دفاع کرد . واقعاً کتاب فوق العاده ای است .

قربانی، عیسی، کاهن ما . او همچنین کتاب «*صلیب در عهد جدید*» را نوشت ، که به جای مطالعه آن کلمات و تصاویر، به بررسی تمام متون عهد جدید پرداخت و آموزه های آنها را در مورد آنچه عیسی انجام داد خلاصه کرد، و حتی علاوه بر آن، کتاب های بیشتری در مورد کفار نوشت . فکر می‌کنم نام کتاب . را فراموش کرده ام، اما شاید «*کفار*» نام داشته باشد «*Intervarsity*» .

به هر حال، لئون موریس سهم قابل توجهی داشت و محققان مشهوری مانند سی.ای. پی. کرانیفیلد، که تفسیر دو جلدی و معتبر او بر رومیان برای مجموعه بزرگ انتقادی است، را متقاعد کرد که موریس در بحث مربوط به کفار گناهان در رومیان ۳:۲۵، ۲۶ پیروز می‌شود . او قانع کننده است، و در مورد سی.اچ. داد، که گاهی اوقات نامش را اینجا می‌گویم، که در آن زمینه استدلال کرده بود، نه، به معنای کفار گناهان نیست . این یک مفهوم بت پرستانه است که به عهد جدید وارد شده است .

بلکه به معنای کفار است . من قصد دارم استدلال کنم که در واقع، مرگ عیسی هم کفار و هم فرونشاندن گناهان را انجام می‌دهد، اما در متن رومیان ۳:۲۵، ۲۶، در متن وسیع تر رومیان ۱-۳، قطعاً از فرونشاندن گناهان صحبت می‌کند . مجموعه مقالات معتبر جی سی برکوور ، *مطالعاتی در اصول عقاید* ، من از اینکه چند سال پیش نماینده اردمن در دفترم بود و به من گفت، اوه، ما دیگر آنقدرها هم شیفته آن کتاب ها نیستیم، ناراحت شدم .

این موضوع من را ناراحت کرد، چون مجموعه مقالات برکوور فوق‌العاده و از نظر الهیات تاریخی بسیار قوی بود. من بعضی از دانشجویان دیگر را می‌شناسم که گفتند، بله، اما من از آن خوشم نمی‌آید. او تصمیمش را نمی‌گیرد.

من دقیقاً به همین دلیل این را دوست دارم. شما باید خودتان تصمیم بگیرید، اما او الهیات تاریخی را به زیبایی بررسی می‌کند، و این کار را برای کتاب «کار مسیح» نوشته جی سی برکوور، الهی‌دان مشهور هلندی، نیز انجام می‌دهد.

اچ. درموت مک‌دونالد کتابی نوشت که واقعاً به من کمک کرد، و در واقع، برای سخنرانی بعدی بعد از این کفاره مرگ مسیح «بخشی در مورد مطالب کتاب مقدس دارد، و این خوب است، اما او سپس یک» بررسی گسترده، شاید چند صد صفحه، در مورد الهیات تاریخی کفاره دارد، و این فوق‌العاده است.

خیلی مفیده. نقل قول‌هایی که برای درخشش اون سخنرانی‌ها لازم داشتم رو ارائه داد، چون به چیزه آگه بهتون بگم که آنسلم رضایت خاطر رو درس می‌داد، و واقعاً هم درس می‌داد، اما وقتی کلمات خودش رو می‌شنوید به چیز دیگه‌ست. واقعاً خیلی زیباست.

مک‌دونالد در این زمینه کار بزرگی انجام داد. اچ. درموت مک‌دونالد، یک مسیحی انجیلی متعصب که در کنار کتاب‌های دیگرش، کتاب بسیار بزرگی هم در مورد تاریخ مطالعه‌ی وحی خدا دارد، نه کتاب مکاشفه، بلکه خدا خود را آشکار می‌کند، به ویژه در قرن‌های نوزدهم و بیستم، چیزی شبیه به آن، از این نظر محقق فوق‌العاده‌ای است. شاهکار جان استات، بنا به اجماعی که از دوستان و محققان مختلف شنیده‌ام، «صلیب مسیح» است، کتابی فوق‌العاده.

این کتاب دو افق فکری او، مطالعه دقیق او از کتاب مقدس و پرداختن او به آموزه‌های کتاب مقدس در دنیای مدرن را با هم ترکیب می‌کند. این کتاب به دفاعیه‌ای برای مضمون جایگزینی مجازات در متون مقدس تبدیل می‌شود. آیا او می‌توانست این موضوع را بیش از حد ارزیابی کند؟ بله، می‌توانست، اما در روزگاری که نه تنها لیبرال‌ها، بلکه محافظه‌کاران نیز به جایگزینی مجازات حمله می‌کنند، من از این کتاب خوشحالم و باز هم نوشته و تصاویر آن فوق‌العاده هستند.

صلیب مسیح. فکر می‌کنم اگر کسی کتابی را به کسی، یک فرد عادی که می‌خواهد این چیزها را یاد بگیرد و با عنوان Inner Varsity به آنها پردازد، توصیه کند، واقعاً کتاب خوبی است. رابرت لتهام کتابی از مجموعه خطوط کلی الهیات مسیحی در باب کار مسیح «نوشته است و کتاب فوق‌العاده‌ای است»

رابرت لیتم به زادگاهش بریتانیای کبیر، یا بهتر بگویم ولز، برگشته است، اما مطمئن نیستم، و حالا در مدرسه‌ای در آنجا تدریس می‌کند. سال‌ها، او کشیش کلیسای در دلاور بود و در مدرسه الهیات وست‌مینستر در فیلادلفیا، دوره‌هایی در مورد شخصیت مسیح و کار مسیح تدریس می‌کرد. کار باب لیتم خوب است.

او اخیراً کتاب «الهیات سیستماتیک» را منتشر کرده است. این کتاب فوق‌العاده است. هم کاملاً ارتدکس است و هم به شیوه‌ای که من به آن نیاز دارم، با اندیشه معاصر تعامل دارد، زیرا من به خوبی با اندیشه معاصر تعامل ندارم.

او با استفاده از مقام سه‌گانه‌ی مسیح، پیامبر، کاهن و پادشاه، به کالوین و پیش از او به پدر کلیسا، یوسیبوس برمی‌گردد. این ایده با حمله‌ی لیبرال‌ها به این ایده، از اعتبار افتاد و مایه‌ی شرمساری بود، زیرا ما باید به حرف‌های همه گوش دهیم، اما باید توسط کتاب مقدس، یعنی دوباره یک کتاب مقدس، اداره شویم و نه با واکنش زیاد به حملات. لتهام با مسیح به عنوان یک پیامبر، کاهن و پادشاه رفتار می‌کند.

یک خطر قابل توجه در این رویکرد این است که بخش زیادی از آنچه کتاب مقدس در مورد آنچه عیسی برای ما انجام داد می‌گوید را در بر می‌گیرد، اما کار نجات‌بخش مسیح آنقدر عظیم است که من دوباره به دنبال صفت‌هایی هستم که این ویژگی را ندارند، یعنی مقام سه‌گانه یا سه مقام، همه داده‌ها را در نظر نمی‌گیرد. خب، او چه می‌کند؟ او کتاب را به همراه پیامبر، کاهن و پادشاه سازماندهی می‌کند، اما سپس فصل‌های اضافی دارد که دقیقاً همان چیزی است که برای پرداختن به حوزه‌هایی که تحت سه مقام مسیح قرار نمی‌گیرند، لازم است. من بدون شرمندگی، در این مورد از دو کتاب خودم صحبت خواهم کرد.

کالوین و کفاره «ویرایش دوم پایان‌نامه من است و همین اول باید بگویم که در مورد کفاره محدود نیست» همه این سوال را می‌پرسند. در واقع، من همین الان از لتهام اسم بردم، و نمی‌توانم از مردم دوری کنم.

آیا کالوین کفاره محدود را تعلیم داد؟ خب، نه، اما او کفاره نامحدود را هم تعلیم نداد. این چیزی است که من پیدا کردم، و قرار است در مورد کتاب صحبت کنم، اما این چیزی است که من پیدا کردم. مردم دیدگاه خود را در مورد میزان کفاره از کالوین برداشت می‌کنند.

بنابراین، بسیاری از افراد اصلاح‌شده، بسیاری از کالونیست‌های پنج‌گانه، کفاره محدود را در [نظریه] تفسیر می‌کنند و شما می‌توانید آن را انجام دهید. با این حال، کسانی که به کفاره نامحدود اعتقاد دارند، این را در کالوین تفسیر می‌کنند و آنها نیز می‌توانند این کار را انجام دهند. به نظر می‌رسد که او خیلی دقیق نبوده است، اما من می‌گویم که رستگاری خاص یا کفاره خاص، یک تحول مشروع است.

تمام الهیات و تمام سیستم‌های الهیاتی توسعه می‌یابند. این یک توسعه مشروع از اندیشه خود کالوین است، اما من با رابرت لتهام موافقم. ظاهراً، من و او تنها دو نفر در جهان هستیم که این فکر را می‌کنیم؛ همه طرف مقابل را می‌گیرند و می‌گویند که به نظر می‌رسد این یک توسعه بعدی است.

جانشین او، تئودور بزا، این را به روشنی آموزش داد، اما من فکر نمی‌کنم که کالوین در مورد آن صحبت می‌کرد. او در مورد چه چیزی صحبت می‌کرد؟ او در مورد این تصاویر کتاب مقدس از کار مسیح صحبت می‌کرد. من به تحصیلات دکترای رفته بودم و دوره‌هایی در مورد کالوین لوتری و اصلاحات انگلیسی و موارد دیگر گذرانده بودم، و اگر از من می‌پرسیدید که عیسی برای نجات ما چه کرد، می‌گفتم او قربانی بزرگی را برای گناهان ما انجام داد و مجازات گناهان ما را پرداخت، و هر دو این‌ها درست است.

اینها هم مضامین کتاب مقدس و هم حقایق کار مسیح هستند. آیا آنها به طور جامع خلاصه می‌کنند؟ نه، آنها به طور جامع آنچه او انجام داد را خلاصه نمی‌کنند، و اینجا، در کلاس لوتر، درباره مسیح و ویکتور آموختم. لوتر از اینکه مسیح را به روشی که کتاب مقدس ارائه می‌دهد، یعنی شکست دادن دشمنان گناه و مرگ و قبر و شیاطین و جهنم، معرفی می‌کرد، خوشحال بود.

مسیح پیروز است، و سپس در کالوین مضامین بیشتری دیدم، به طوری که مرا در این مسیر آغاز کرد، که در کتاب من، نجات انجام شده توسط پسر، کار مسیح، به اوج خود رسید، و آن کتاب دو بخش اصلی دارد که در این سخنرانی‌ها منعکس شده است یا به خواست خدا خواهد بود. نیمی از کتاب به نه رویداد نجات‌بخش مسیح می‌پردازد، که من قبلاً آنها را به طور خلاصه بیان کرده‌ام، و منتظر می‌مانم تا به آنها برسم. ما آنها را با جزئیات بیشتری انجام خواهیم داد، و نشان خواهیم داد که چگونه عیسی، همه چیز را از تجسم او، آمدن دوم، ما را نجات می‌دهد، به خصوص مرگ و رستاخیز او.

بخش دوم «نجات به دست پسر» در تصاویر کتاب مقدس آمده است. رویدادها، حتی رویدادهای خدا، خود تفسیرگر نیستند. مردم خاور نزدیک باستان که از نجات بنی اسرائیل توسط یهوه از بردگی مصر شنیده بودند، نمی گفتند که او، او خدای زنده و حقیقی است؛ خدای دیگری وجود ندارد.

نه، آنها این را نمی گفتند. آنها احتمالاً چیزی شبیه به این می گفتند، وای، یهوه از خدایان مصر بزرگتر است، حداقل در آن زمان بزرگتر بود، یا چیزی شبیه به این. و آیا آنها واقعاً خدایان آشوری یا بابلی خود را رها می کردند؟ اشتباه برداشت نکنید، من فکر می کنم یهوه تنها خدای حقیقی و زنده بود، اما نه، جهان بینی آنها آنها را به چنین نتیجه ای نمی رساند.

قابل توجه است که برخی از مصری ها با بنی اسرائیل بیرون آمدند. آیا می توانید تصور کنید که تمام فرهنگ خود، شاید خانواده تان را رها کنید؟ این برای من شگفت انگیز است و عظمت آن وحی را نشان می دهد. با این حال، وقایع به خودی خود تفسیر نمی شوند و خداوند در کنار وحی عملی خروج، وحی کلامی نیز عطا کرد.

به سرود مریم، سرود موسی، که بسیاری از مزامیر را تفسیر می کند، فکر کنید. افسوس که واقعه خروج در سراسر عهد عتیق گرامی داشته می شود. خداوند کلماتی برای تفسیر اعمال خود می دهد.

مثال عالی در ذهن من از اینکه چگونه وحی عمل برای تفسیر و فهم آن مستلزم وحی کلام است، صلیب است. مردم در پای صلیب عیسی ایستاده بودند و آن را اشتباه تفسیر کردند. او دیگران را نجات داد. بگذارید خودش را نجات دهد.

آنها به طرز طعنه آمیزی، در راستای تحقق متون مقدس خودشان، مسخره و استهزا می کردند. من متوجه شده ام که یکی از آن دو دزد ایمان آورد، و ظاهراً، افسر رومی نیز ایمان آورد، اما خدا نه تنها در صلیب و رستاخیز عیسی فعال بود، بلکه کلماتی نیز برای تفسیر آن وقایع مهم داد. و من حساب می کنم، تصاویر زیادی از مرگ و رستاخیز مسیح در عهد جدید وجود دارد، اما دو تصویر، اما شش تصویر، ببخشید، جامع ترین آنها رستگاری است، او ناجی ما، آشتی، او صلح آور ما، جانشین مجازات است.

او تاوانی را پرداخت کرد که ما هرگز نمی توانستیم بپردازیم. چیزی که من آن را خلقت جدید آدم دوم می نامم، او بر جایی که آدم شکست خورد غلبه می کند و آنچه را که آدم از دست داد، بازیابی می کند. فداکاری و تطهیر دارم. پنجمین مورد است و من به یکی دیگر نیاز دارم.

رستگاری، آشتی، جایگزینی کیفری. او، مسیح پیروز است، البته. پیروزی، بن مایه پیروزی.

مسیح در مرگ و به ویژه رستاخیزش. کتاب مقدس پیروزی را به مرگ او نسبت می دهد. یوحنا و رستاخیزش بر دشمنان او و ما پیروز می شوند.

اینها برخی از کتاب های کلیدی هستند که بر من تأثیر گذاشته اند و من آنها را به شما توصیه می کنم. الهامات کتاب مقدس. همانطور که ما از طریق وقایع مسیح، به ویژه مرگ و رستاخیز او، و تصاویر کتاب مقدس که من به تفصیل برشمردم، کار می کنیم، به بخش به بخش نگاه خواهیم کرد.

باشه، اما در واقع، برای اکثر این سخنرانی ها، دو متن آنقدر برجسته و مهم وجود دارد که می خواهم چیزی را که من آن را یافته های کتاب مقدس می نامم، نوعی قضاوت در مورد اعماق آب ها، اگر بخواهید، در نظر بگیرم، و آنها رومیان ۲۵: ۳، ۲۶، متن بزرگ کفاره هستند. اما اول از همه، اشعیا ۵۳. اشعیا ۵۳ از اشعیا ۵۲ شروع می شود.

می‌دانید که تقسیم‌بندی باب‌ها و آیات الهامی نیستند. اگر دوست دارید ببینید چطور به وجود آمده‌اند، کتاب کوچک و لذت‌بخشی است. بریل اسمالی، مطالعه‌ی کتاب مقدس در قرون وسطی، یا ساخت کتاب مقدس در قرون وسطی، فکر می‌کنم این مطالعه است.

بریل اسمالی، در کتاب «مطالعه کتاب مقدس در قرون وسطی» شرح می‌دهد که چگونه علمای قرون وسطی در پاریس با یکدیگر مبارزه می‌کردند و یکی از آنها پیروز می‌شد. و ما تقسیم‌بندی‌های او را در باب‌ها و آیات داریم. البته همیشه بهترین تقسیم‌بندی باب‌ها و آیات نیست.

و اشعیا ۵۲ در واقع از ۵۳ شروع می‌شود، از ۵۲:۱۳ شروع می‌شود. چهار سرود خدمتگزاری وجود داشت. اشعیا ۴۲، ۴۹، ۵۰، و سپس این ۵۲:۱۳ تا ۵۳:۱۲. و گاهی اوقات یک خدمتگزار به وضوح اسرائیل است.

در اینجا، خادم، یک اسرائیلی است که به نمایندگی از ملت، نه تنها ملت، بلکه مردمان ملت‌ها نیز عمل می‌کند. از برخی جهات، کار او دارای اهمیت جهانی است که پیش از این در عهد عتیق آشکار شده است. در واقع، آنچه که در مورد این متن مرا شگفت‌زده می‌کند این است که بسیار شگفت‌انگیز و قدرتمند است.

من هیچ قسمتی در هیچ یک از عهدین نمی‌شناسم، و هرگز این را نمی‌گویم، تقریباً هرگز این را نمی‌گویم، که تصویری به این روشنی از عهد جدید ارائه دهد. شما نمی‌توانید اشعیا ۴:۵۳، ۵ و ۶ را نادیده بگیرید، در حالی که سرتان را خم می‌کنید و در عشای ربانی مراقبه می‌کنید. این بسیار شگفت‌انگیز است.

من و کشیشم، ون لیز، اخیراً کتابی با عنوان «عیسی در پیشگویی، چگونه زندگی مسیح پیشگویی‌های کتاب مقدس را محقق می‌کند» با هم نوشتیم. و کشیش ون در تصویرسازی بسیار بهتر از من است. یک تصویر واقعی از زندگی او مربوط به این فصل است.

او یک بار داشت خانه به خانه بشارت می‌داد، فکر می‌کنم زمینه‌اش همین بود، و مردی به او گفت، من اخیراً دیگر مسیحی نیستم؛ من اخیراً یهودی شده‌ام، بنابراین اگر می‌خواهی با من در مورد چیزی که انجیل می‌نامی صحبت کنی، فقط می‌توانی در عهد عتیق بمانی. او گفت، باشه، اشکالی ندارد. اگر دکتر لیز را می‌شناسی، می‌دانی که اشکالی ندارد.

پس او این سخنان را می‌خواند. بی‌شک، او غم‌های ما را بر خود گرفت و دردهای ما را بر خود حمل کرد. اما به خاطر گناهان ما مجروح شد.

او به خاطر گناهان ما له شد. تنبیهی که برای ما آرامش به ارمغان آورد بر او آمد. و با زخم‌های او، ما شفا یافتیم.

آن مرد اعتراض کرد، یک دقیقه صبر کن، من گفتم نمی‌توانی از عهد جدید استفاده کنی. و ون گفت که من از عهد جدید استفاده نمی‌کنم. و آن مرد، بدیهی است که او می‌دانست این کلمه آنقدر واضح درباره عیسی صحبت می‌کند که گفت، خب، شاید بهتر باشد در مورد این موضوع وقت دیگری صحبت کنیم.

باید بیشتر فکر کنم. آره، فکر می‌کنم ایده خوبی، دوست من. اشعیا ۵۲:۱۳ تا پایان ۵۳.

بنگر، بنده‌ی من خردمندانه عمل خواهد کرد. او والا و سرافراز و والامقام خواهد شد. این سخنان با توجه به آنچه در ادامه می‌آید، بسیار طعنه‌آمیز هستند.

همانطور که بسیاری از شما شگفت زده شدند، ظاهر او چنان تغییر یافته بود که از شباهت انسان و شکل او از بنی آدم فراتر بود. او همچنین بر بسیاری از ملت ها خواهد پاشید. پادشاهان به خاطر او دهان خود را خواهند بست.

زیرا آنچه بدیشان گفته نشده است، می بینند. و آنچه نشنیده اند، می فهمند. چه کسی آنچه را که از ما شنیده است، باور کرده است؟ و بازوی خداوند به چه کسی آشکار شده است؟ زیرا او در برابر او مانند نهالی جوان و مانند ریشه ای از زمین خشک، روید.

او نه شکلی داشت و نه جلالی که به او بنگریم و نه زیبایی که مشتاقش باشیم. او مورد تحقیر و طرد مردم بود، مردی غم زده و آشنا با غم. او همچون کسی که مردم چهره خود را از او می پوشانند، مورد تحقیر قرار گرفت و ما او را چنین نکوهش کردیم.

بی شک او غم های ما را بر خود گرفت و دردهای ما را بر خود حمل کرد. با این حال، ما او را از جانب خدا رنج دیده، مضروب و مبتلا پنداشتیم. اما او به سبب گناهان ما مجروح شد.

او به خاطر گناهان ما له شد. تنبیهی که برای ما آرامش به ارمغان آورد بر او آمد. و با زخم های او، ما شفا یافتیم.

ما همه مانند گوسفندان گمراه شده ایم. هر کس را به راه خود کشانده ایم. و خداوند گناه همه ما را بر او نهاد.

او مظلوم و رنج کشیده بود، اما دهانش را نگشود. مانند بره ای که برای ذبح می برند و مانند گوسفندی که در برابر پشم چینانش خاموش است، او نیز دهانش را نگشود. او را با ظلم و ستم و داوری بردند.

و اما از نسل او، چه کسی گمان برد که او از سرزمین زندگان منقطع شده و به سبب گناه قوم من مضروب گشته است؟ و او را در گور شیران و ثروتمندان در مرگش قرار دادند، اگرچه هیچ خشونتی نکرده بود و هیچ فریبی در دهانش نبود. با این حال، خواست خداوند این بود که او را در هم بشکنند. او او را به غم و اندوه دچار کرده است.

چون جانش قربانی گناه تقدیم کند، نسل خود را خواهد دید. عمرش دراز خواهد شد. اراده خداوند در دست او به انجام خواهد رسید.

از رنج جان خود، خواهد دید و سیر خواهد شد. بندهی پارسای من، به دانش خود، بسیاری را پارسا خواهد شمرد و گناهانشان را بر دوش خواهد کشید. بنابراین، من او را در میان بسیاری نصیب خواهم داد و او غنیمت را با زورمندان تقسیم خواهد کرد، زیرا جان خود را به کام مرگ ریخت و از خطاکاران شمرده شد.

با این حال، او گناه بسیاری را بر دوش کشید و برای گناهکاران شفاعت می کند. انجام این کار دشوار است، اما اگر وانمود کنید که قبلاً هرگز این را نشنیده اید و برای اولین بار آن را شنیده اید، موضوع اصلی چیست؟ بسیاری از دانشجویان من در طول سال ها می گفتند، اوه، جایگزینی، و شکی نیست که این یک موضوع اصلی است، اما فکر نمی کنم این اولین پاسخ شما باشد. اگر هرگز در مورد آن نشنیده بودید، فکر می کنم از رنج عظیم بنده غمگین می شدید.

خدای من، ظاهرش خیلی خراب شده بود، ۵۲:۱۴، فراتر از ظاهر یک انسان. مثل این است که پدر یا مادری را برای شناسایی جسد فرزندش به سردخانه احضار کنند. قابل تشخیص نیست.

خیلی غم‌انگیزه. وحشتناکه. چندان آورده

ظاهر او به گونه‌ای تغییر یافته بود که از ظاهر فرزندان بشر هم بدتر بود. با این خدمتکار بد رفتاری می‌شود. رنج و عذاب بسیار زیاد است.

او مورد تحقیر و طرد مردم قرار گرفته است. مردی که غم و اندوه را تجربه کرده و با غم و اندوه آشناست و مردم از او روی خود را می‌پوشانند. او مورد تحقیر قرار گرفت.

ما قدر او را ندانستیم. آن بنده‌ی بیچاره به تنهایی رنج می‌کشد. همه‌ی ما وقتی رنج می‌کشیم، چقدر آرامش‌بخش است که دیگرانی را در کنار خود داشته باشیم که به ما اهمیت می‌دهند.

او کسی را ندارد. سوال دومی که می‌خواهم بپرسم، و البته سوال سختی هم هست، این است که آیا این رنج، عادلانه است یا ناعادلانه؟ خب، اولین چیزی که می‌گویید این است که ناعادلانه است. منظورم این است که خدای من.

آیه ۸، او با ظلم و ستم و داوری از بین رفت. این زننده است. و آیه ۹ می‌گوید، او را فرا می‌خواند، می‌گوید، او هیچ خوشنوتی نکرده بود.

هیچ فریبی در دهانش نبود. چند نفر را می‌توانی در موردشان بگویی؟ هیچ کدام. به نظر می‌رسد که آن خدمتکار بی‌گناه است.

صالح، بنده من می‌نامد. بنابراین، رنج وحشتناک، ESV در واقع، آیه ۱۱ او را بنده صالح من یا ارائه دهندگان است. بنده کتک می‌خورد، یا هر کاری با او انجام می‌شود، بنابراین او فراتر از تشخیص است.

و او خرد شده است. او زخم دارد. او مظلوم و رنجور است.

و با این حال او بنده‌ی صالحی است که با خوشنوتی یا با زبانش گناه نکرده است. مسائل برای ما پیچیده است و باید بگوییم که مجازات عادلانه است. چطور می‌توانید بعد از آنچه گفتید، چنین چیزی بگویید؟ باید بگوییم که این فقط به دلیل آیه‌ی ۱۰ است.

با این حال، اراده خداوند این بود که او را نابود کند. او او را به غم و اندوه دچار کرده است. یک لحظه صبر کنید.

اگر خدا بنده را مجازات می‌کند، باید این حس وجود داشته باشد که این کار عادلانه است. چرا این را می‌گوییم؟ ما این را بر اساس شخصیت خدا می‌گوییم. کتاب مقدس همه چیزهایی را که ممکن است بخواهیم بدانیم به ما نمی‌گوید، اما اطلاعات زیادی در مورد اینکه خدا کیست و این واقعیت که می‌توانیم به او اعتماد کنیم، به ما می‌دهد.

و این از روی قصد است، زیرا این چیزی است که ما بیش از هر چیز باید بدانیم. چگونه این چیزها را کنار هم قرار دهیم؟ بگذارید این را بگویم. حتی اگر نمی‌توانستیم آنها را کنار هم بگذاریم، فکر می‌کنم باید با بی‌عدالتی آشکار رنج و عدالت خدمتگزار کنار بیاوریم.

اگر خدا این کار را بکند، حتماً عادلانه است. در همین راستا، یک مثال می‌زنم. اگر آخر شب، ماشینی جلوی در خانه ما توقف کند و زنی رانندگی کند و مرا پیاده کند، و همسر من در ایستاده باشد، واکنش او چه خواهد بود؟ آیا توضیحی از من انتظار می‌رود؟ البته

و این قابل انتظار بود. اما آیا او ناراحت می‌شد یا حسادت می‌کرد؟ نه. چرا؟ ما ۴۷ سال است که ازدواج کرده‌ایم.

آن زن صبور، همسر من بوده است. و برعکس. اگر مردی او را آخر شب پیاده می‌کرد، بله، اگر اتفاق غیرمنتظره‌ای اینجا می‌افتاد، دنبالش می‌گشتم.

این از قبل برنامه‌ریزی نشده بود. و من انتظار توضیح داشتم، اما شک ندارم که همسر من هم موافق خواهد بود. به همین ترتیب، حتی اگر اطلاعات بیشتری نداشتیم، در یک مورد به ظاهر غیرعادی به خدا توکل می‌کردیم.

چطور ممکن است این چیزها درست از آب دربیایند؟ اما البته، درست از آب در می‌آیند. راه حل این به ظاهر عدالت و بی‌عدالتی همزمان این است که نه تنها مرگ یک بنده اختیاری است، بلکه در آیات ۷ و ۱۲، آیه ۷، او دهانش را باز نمی‌کند. او ساکت است، ۷،

او با این داوری همراه می‌شود. و سپس، در آیه ۱۲، ۱۲ در وسط، جان خود را به کام مرگ ریخت. بنده با میل خود رنج می‌کشد.

خواهیم دید که این یک مضمون مهم در عهد جدید است. هیچ کس جان مرا از من نمی‌گیرد، یوحنا ۱۰. من آن را به میل خود می‌دهم، عیسی گفت.

حتی مهم‌تر از آن، همزمانی عدالت و بی‌عدالتی با این واقعیت که مرگ بنده جایگزین مرگ دیگری است، حل می‌شود. هیچ فصلی در کتاب مقدس وجود ندارد که به اندازه این فصل، کفاره جایگزین را به شدت آموزش دهد. او غم‌های ما را بر خود گرفت و غم‌های ما را بر دوش کشید، آیه ۴. او به خاطر گناهان ما سوراخ شد.

این باید پرمعناترین آیه در کل کتاب مقدس در مورد کفاره جایگزین باشد. او به خاطر گناهان ما سوراخ شد. او له شد، این کلمه سنگینی است، به خاطر گناهان ما

بر او تأدیی آمد که ما را آرام کرد و با زخم‌های او ما شفا یافتیم. همه ما، مانند گوسفندان، گمراه شده بودیم. هر یک از ما به راه خود برگشته بودیم، و خداوند گناه همه ما را بر او نهاد.

اشعیا در پایان آیه ۸ می‌گوید: او به خاطر گناه قوم من مضراب شد. او گناهان بسیاری را بر دوش کشید، در پایان آیه ۱۲. در سراسر این سرود بندگی شگفت‌انگیز، جایگزینی [گناهان] به چشم می‌خورد.

نکته‌ی دیگری هم در پرتو مکاشفه‌ی عهد جدید کاملاً قابل توجه است، یا شاید من برعکس متوجه شده‌ام. عهد جدید این نکته‌ی شگفت‌انگیز را مطرح می‌کند. در این باب آنقدر خون و خونریزی وجود دارد که دوباره این باب ۵۳ را از ۵۲:۱۳ شروع می‌کنم.

آنقدر خون و رنج و مجازات تحمل می‌شود که ممکن است این واقعیت را که خون با شکوه احاطه شده است، از دست بدهیم. این بسیار قابل توجه است، ۵۲، ۱۳، بنده من عاقلانه عمل خواهد کرد. او بلند و سریلند و سرفراز خواهد شد.

ما تقریباً می‌خواهیم بگوییم نه، پروردگارا، او پست خواهد بود، لگدمال خواهد شد و پا به زمین خواهد گذاشت. نه، اما این چیزی است که خدا می‌گوید، و به روشی مشابه با زبانی متفاوت پایان می‌یابد. من او را با بسیاری از افراد تقسیم خواهم کرد.

او غنیمت‌خواران را با زورمندان تقسیم خواهد کرد. او پیروز است و در غنایم سهیم می‌شود. این در واقع منبع، مثلاً، تصویر انجیل یوحنا از پسر انسان است که بالا برده می‌شود.

در فصل ۱۲، یوحنا با یک توضیح ویرایشی می‌گوید که عیسی کمی قبل دربارۀ بالا برده شدن صحبت کرده بود. با این حرف، او به نحوه مرگی که قرار بود بمیرد، یعنی مصلوب شدن، اشاره کرد. او، اما این در انجیل یوحنا معنای دوگانه‌ای دارد.

او با خوانندگانش بازی می‌کند. بدترین کاری که دشمنان عیسی می‌توانستند انجام دهند این بود که او را به صلیب بکشند، اما این کار صرفاً او را به راه بازگشت به سوی پدر می‌فرستاد. بنابراین، جلال و رنج در این فصل در هم تنیده شده‌اند.

رنج و عذاب در احاطه‌ی جلال است، و در واقع، خود این باب بیش از هر چیز به رستاخیز عیسی اشاره دارد، جان‌اسوالت، یک محقق عهد عتیق به حق مشهور که دو جلد تفسیر معروف من بر اشعیا را نوشته است. توسط یک محقق عهد عتیق ارمنی نوشته شده است. چرا این را می‌گویید؟ چون او درست می‌گوید.

او عاشق اشعیا است. او جلال و عظمت اشعیا را ستایش می‌کند. نه، من با هر بیان آزادی اراده‌ای که او ممکن است در آن کتاب ارائه دهد موافق نیستم، اما زیباست.

این یک کار مادام‌العمر است، و او به درستی می‌گوید که اگرچه این فصل بر مرگ عیسی تمرکز دارد، در آیه ما زبان رستاخیز را داریم. این اراده خداوند بود که او را در هم بشکنند. دوباره آن کلمه قوی وجود دارد که، ۱۰، او را به غم و اندوه می‌اندازد.

وقتی جان او قربانی گناه، قربانی تقصیر، تقدیم می‌کند، عیسی به عنوان قربانی گناه، به عنوان قربانی مُرد. او نسل خود را خواهد دید. او روزهای خود را طولانی خواهد کرد.

اراده خداوند به دست او به انجام خواهد رسید. در بحبوحه ارائه بنده رنج کشیده، اشعیا زبانی را بیان می‌کند که در نهایت در رستاخیز و تعالی پسر خدا تحقق می‌یابد. خوب است که کمی استراحت کنیم و در سخنرانی بعدی‌مان، به جزئیات بیشتری در مورد شگفتی و برکت اشعیا ۵۳ خواهیم پرداخت.

من دکتر رابرت پترسون هستم در حال تدریس در مورد کار نجات‌بخش مسیح. این جلسه شماره دو، مقدمه بخش دوم، روش الهیاتی، کتاب‌های کلیدی، اشعیا ۵۳ است.